یادداشت

چگونه گناه به‌واسطه توبه به حسنه تبدیل می‌شود؟

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی
فعال فرهنگی

توبه نه‌فقط تغییر ظاهری در رفتار انسان، بلکه دگرگونی بنیادین در باطن و جهت‌گیری درونی اوست که زمینه‌ساز تغییر سرنوشت و ارتقای معنوی به شمار می‌رود. مسیر سعادت انسان در تقوا و مراقبت دائمی از ایمان تعریف می‌شود. تقواکه اساس بندگی و محور عزت است، مانعی برای لغزش‌ها و گناهان است. درواقع، توبه حقیقی بازگشت از مسیر واگرایی با خدا و قطع وابستگی به او، به سمت خداگرایی و جلب رحمت و مغفرت الهی است.

گاهی مفهوم گناه در ذهن ما معنای درستی ندارد. گناه به معنی معصیت خداوند است، اما آسیبی که وارد می‌کند، متوجه ذات خدا نیست، بلکه انسان را دچار تخریب درونی می‌سازد. گناهکار مانند کسی است که با دست خود به نفسش ضربه می‌زند و محیط قلب و روح خود را آلوده می‌کند؛ همانند نوشیدن سم که به جسم و جان آسیب می‌زند. بنابراین، چرا انسانی باید عذاب شود وقتی فقط به خویشتن آسیب رسانده است؟ پاسخ در وجود یا نبود رابطه توحیدی نهفته است. عامل اصلی استحقاق عذاب، قطع رابطه با خدا و پیوستن به جبهه شیطان است. گناه زمانی عذاب‌آور است که نشانه واگرایی از خداوند است و همین گناه موجب جدایی از او و شیطان‌گرایی قلبی است. ترک خداگرایی و تمایل به ناحق، منشأ اصلی مستوجب مجازات‌شدن است، نه اینکه صرفا خود عمل گناه عذاب‌آور باشد.

بنابراین در اینجا توبه به معنای اصلاح جهت قلبی و بازگشت از مسیر شیطان‌گرایی به خداگرایی است و در این بازگشت، گرایش‌های درونی انسان دگرگون و خداگرایی جایگزین تمایل به باطل و گناه می‌شود. این همان نکته‌ای است که در قرآن کریم به‌صورت اعجاب‌انگیزی بیان شده است. در آیات قرآن آمده است: «فَأُولَئِکَ یُبَدِّلُ اللهُ سَیِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» یعنی خداوند سیئات توبه‌کنندگان را به حسنات تبدیل می‌کند. معنای حقیقی این آیه نه صرف تغییر ظاهری، بلکه تغییر جدی نیت، انگیزه و جهت‌گیری قلبی است.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به این موضوع پرداخته و با استناد به روایتی از امام محمدباقر(ع)، ابعاد کامل‌تری از این حقیقت را روشن کرده است. در این روایت، خداوند خود در قیامت حسابرسی بنده‌ای را که در دنیا گناه کرده، ولی توبه، ایمان و عمل صالح داشته است، برعهده می‌گیرد. فرشتگان کنار می‌روند و کسی جز خدا و خود بنده از حساب آگاه نمی‌شود.

خداوند گناهان بنده را به یاد او می‌آورد، او اقرار می‌کند و خداوند فرمان می‌دهد همه سیئات نوشته‌شده به حسابش پاک و به‌جای آن عمل صالح ثبت شود. سپس به اهل عالم اعلام می‌کند که این بنده جز کار نیک انجام نداده است و او را به بهشت وارد می‌کند و این معنای واقعی تبدیل گناه به حسنه است و این یعنی تغییر در کردار و تغییر در ثبت اعمال در نامه عمل.

ماه محرم که آن را پشت سر گذاشتیم، با اشک و عشق به امام حسین(ع) و مصائب اهل بیت(ع) همراه بود. این اشک باید زمینه‌ساز تحول روحی و برگشت واقعی به سوی خداوند شود. ثمره شعائر و عزاداری‌های این ماه، تصمیم عملی برای ترک گناه و اصلاح مسیر زندگی است. این توبه، موجب بازسازی رابطه خدایی و گسسته‌نشده با خداوند است.

باید توجه داشته باشیم که آغاز ماه صفر، مصادف با یکی از ایام تلخ تاریخ اهل‌بیت(ع) است؛ روزی که اهل بیت پیامبر(ص) پس از اسارت وارد شام شدند. این روز نماد اوج مصائب و فداکاری‌های خاندان عصمت و طهارت است و باید درسی باشد برای تأمل در مسیر بندگی و بازنگری در رفتار و رابطه خود با خدا و از خداوند بخواهیم که شرکت ما در مراسم عزاداری و تعظیم شعائر حسینی را مقدمه توبه واقعی و سعادت دنیوی و اخروی ما قرار بدهد.

اشارت

اسراف انرژی، گناه کبیره!

یکی از موضوعاتی که این روزها درکشورمان با آن مواجه هستیم و این امر موجب اختلال درکسب‌وکار و ناراحتی بسیاری از هم‌وطنان و عزیزان در سطح کشور شده است، موضوع قطعی برق و کمبود آب است و در این روزها بسیار پسندیده است که بیشتر به دستورات دین و علمای بزرگ در مورد درست مصرف کردن و دوری از اسراف توجه کنیم.

دین اسلام در تمام زوایای زندگی بشر برای پیروانش برنامه‌های معتدل و کارآمدی دارد و همان‌گونه که به استفاده مشروع از نعمت‌های الهی سفارش می‌کند، به میانه‌روی توصیه می‌کند و ضایع کردن نعمت‌ها را ناروا می‌داند.

اسراف یکی ازگناهان کبیره است که خداوند متعال در قرآن خطاب به انسان‌ها می‌فرماید: «کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا، إِنَّهُ لا یحِبُّ الْمُسْرِفِین. بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد».

قرآن مجید برای شخص اسراف‌کار در این دنیا زیان‌های جسمی، فقر، هلاکت و خشم خداوند را گوشزدکرده و وعده عذاب شدیدتر در قیامت را داده است.

چنین نقل شده است که امام صادق(ع) مشاهده کردند میوه‌ای را نیم خورده از خانه بیرون انداخته‌اند. خشمگین شدند و فرمودند: «اگر شما سیر هستید، خیلی از مردم گرسنه‌اند؛ خوب بود آن را به نیازمندی می‌دادید».

پیامبر(ص) فرمودند:

«خیار امتی یتوضؤن بالماء الیسیر: بهترین امت من کسانی هستندکه با آب کم وضو می‌گیرند.»

● در استفتائات جدید آیت‌ا... مکارم شیرازی آمده است:

با عنایت به محدودیت منابع آب قابل شرب و شیرین در سرزمین ما، مصرف بی‌رویه و غیرضروری آن چه صورتی دارد؟

پاسخ: مصرف بی‌رویه آب قابل شرب یا آب‌های زراعتی، در هیچ زمانی مجاز نیست؛ باید در این نعمت‌گران بهای الهی، همه مردم صرفه‌جویی کنند و جلو هرگونه اسراف را بگیرند.

● در استفتائات امام خمینی(ره) نیز این پرسش ذکر شده است:

زیاده‌روی در مصرف آب و برق در صورتی که موجب کمبود در سطح عمومی شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: زیاده‌روی به نحو غیرمتعارف، حرام است.

از رهبر معظم انقلاب نیز این پرسش مطرح شده است که گفته می‌شود استفاده از نیروی برق برای روشنایی بیشتر از مقدار نیاز، اسراف محسوب نمی‌شود، آیا این سخن صحیح است؟

در پاسخ فرمودند:

شکی نیست که استفاده و مصرف هر چیز حتی نیروی برق و نور چراغ بیشتر از مقدار نیاز، اسراف محسوب می‌شود. آنچه صحیح است، سخن منقول از رسول ا...(ص) است که می‌فرمایند: «لاسَرَف فی خیر: درکار خیر، اسراف وجود ندارد.»

گفت‌وگو با دکتر سیدجواد میری، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، درباره مؤلفه‌شناسی پژوهش‌های شیعه‌شناسان یهودی

دشمنی در لباس اندیشه‌ورزی

مراسم افتتاحیه دانشگاه اورشلیم سال ۱۹۲۵ میلادی

امید حسینی‌نژاد
روزنامه نگار

دشمنی دیرینه و آشکار یهودیان صهیونیست با مذاهب اسلامی بالاخص تشیع، نیاز به اثبات و ادله و برهان ندارد؛ چراکه سنت تاریخ، همواره بر رویارویی حق و باطل استوار بوده است. بیشتر توجه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های سران رژیم صهیونیستی در سالیان اخیر بر دشمن‌شناسی یا به‌عبارت بهتر، شناخت بیش‌ازپیش ایران شیعه (به‌عنوان دشمن شماره یک اسرائیل) معطوف شده است.

مطالعات آکادمیک و دانشگاهی رژیم صهیونیستی در حوزه برپایی کرسی‌های درس شیعه‌شناسی و آموزش زبان فارسی، نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری‌که دانشگاه‌های «تل‌آویو»، «اورشلیم»، «حیفا»، «هبرو»، «نگو» و «بارایلان» از سالیان گذشته تاکنون، به برگزاری کلاس‌های درس در رشته «شیعه‌شناسی» مبادرت کرده و درحال تربیت نیروی انسانی متخصص درگرایش‌های مرتبط با ایران و شیعه‌پژوهی هستند. از همین روی تشویق شهروندان صهیونیست به شناخت مذهب، رسوم و سنت‌های ایرانی و همچنین آموزش زبان فارسی به آن‌ها، جزو کارویژه‌های مهم سیاست‌گذاران اسرائیلی محسوب می‌شود.

دکتر سیدجواد میری در این گفت‌وگو، مؤلفه‌های پژوهشی و مسیر علمی آنان را بررسی کرده است تا به ما نشان دهد تأملات شیعه‌شناختی آنان در طول این سال‌ها چه‌کمکی به فعالیت‌های اسلام‌ستیزانه‌شان و دشمنی صریحشان با ایران کرده است.

● اسرائیلی‌ها چگونه از این مطالعات شیعه‌شناسی برای پیشبرد اهداف خودشان استفاده می‌کنند؟

درواقع مسئله این است که آیا دغدغه‌های راهبردی اسرائیل، مزید بر علت نیست که اسرائیل بیشتر از بریتانیا یا بیشتر از آمریکا یا فرانسه به این مسئله بپردازد؟ این موضوع را نمی‌توان انکار کرد؛ به‌عنوان مثال وقتی که می‌گوییم مطالعات شیعه‌شناسی در اسرائیل، سبک یا سبک‌های جدیدی را ابداع می‌کند، منظورمان چیست؟ آیا منظورمان این است که یک سبک ادبی جدید یا یک سبک علمی جدید را ابداع می‌کند؟ نه؛ مقصودم این است که به‌عنوان مثال اسرائیلی‌ها دریافته‌اند که با تمامی اختلافات و تمایزاتی که بین نحله‌های مختلف شیعی در جهان از شیعیان زیدی، اسماعیلی، علوی و... وجود دارد، همه این‌ها با تمام تفاوت‌ها و اختلافاتی که دارند، دارند به یک همگرایی می‌رسند. اما اینکه چرا این‌ها دارند به یک همگرایی می‌رسند، دلایل زیادی می‌تواند داشته باشد.

شاید به‌دلیل این باشد که جمهوری اسلامی ایران به یک پختگی رسیده و توانسته است در عرصه بین‌الملل خودش را به‌گونه‌ای مطرح کند که بتواند این نحله‌های مختلف را سامان‌دهی کند و نقاط تمایز را کم‌رنگ‌تر و نقاط اشتراک را تقویت بکند. برای اینکه اسرائیلی‌ها بفهمند چگونه می‌شود حرکت‌های موازی در جهان تشیع ایجاد کنند، نیاز به مطالعه دارند. به‌عنوان مثال مکتب فقهی نجف با مکتب فقهی قم یا مکتب فقهی قم با مکتب فقهی مشهد و... تفاوت‌های زیادی دارند. اسرائیلی‌ها مطالعاتشان را به این سمت برده‌اند که ببینند مثلا مکتب فقهی نجف به‌ویژه در اواسط قرن ۱۹ به این طرف، چه مسائلی را برای خودش مطرح می‌کند و این مسائل کلان به‌گونه‌ای فرموله و مفهوم‌سازی می‌شود که نگاه فقهای نجف به حکومت، حوزه سیاست، فرهنگ و علم، فلسفه و تجدد چیست؟

● پس، از نگاه شما، باید ما به تنوع ژئوپلیتیک شیعیان در منطقه غرب آسیا توجه بیشتری داشته باشیم؟

بله؛ اگر به نقشه نگاهی بیندازید، می‌توانید ببینید که تقریبا از جنوب روسیه یعنی از منطقه قفقاز شمالی گرفته و به‌ویژه جمهوری داغستان تا جمهوری آذربایجان و بخش‌های عظیمی از گرجستان و حتی بخش‌هایی که امروز در دست ارمنستان است و دارد پاک‌سازی نژادی می‌شود و آن را از شیعیان و مسلمانان خالی می‌کنند و بعد ایران و تاحدودی مناطقی از ترکیه را می‌توانید درنظر بگیرید. بعد از آن عراق، بحرین، شرق عربستان، حتی کویت و حاشیه جنوبی خلیج‌فارس، شما حضور پررنگ شیعیان را می‌بینید. منطقه یمن و ازطرفی در کرانه جنوبی مدیترانه، سوریه و لبنان را دارید. این پهنه قسمت‌های عظیمی از افغانستان و تاحدودی شبه‌قاره هند را دربر می‌گیرد. حالا به اینکه شیعیان در اروپا هم حضور دارند، کاری ندارم. در مناطق آسیای غربی که ما به آن ترکستان غربی می‌گفتیم، نیز جمعیت عظیم شیعه به صورت متراکم حضور دارند.

یعنی به‌گونه‌ای می‌توانید از یک ژئوکالچر شیعی صحبت کنید؛ ژئوکالچری که متأثر از نگاه‌هایی است که نگاه ایرانی بر آن غالب است. یعنی یک تفسیر و روایتی از اسلام و دیانت، حتی حکومت‌داری و آیین شهریاری در آن وجود دارد که به گونه‌ای این‌ها را به هم نزدیک می‌کند و اتفاقا نقطه گرانیگاه آن را هم می‌توان به صورت سمبلیک ایران دانست. ممکن است بعضی‌وقت‌ها در ایران نبوده و در جاهای دیگر بوده باشد. اما به‌صورت سمبلیک تقریبا ایران گرانیگاه آن بوده است.

به زبان دیگر شما می‌توانید از فلات فرهنگی ایران صحبت بکنید که مختص ایران سیاسی نیست و وقتی شما همچنین چارچوبی را درنظر می‌گیرید، اگر به تغییر و تحولات در جهان از نظر ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری نگاه کنید و زوایای حضور اقتصادهای چندقطبی در جهان را نگاه کنید، می‌بینید که اقتصادهای بزرگ امروزه آرام‌آرام نمی‌توانند در چارچوب‌های ملی تعریف بشوند. اگر یک اقتصاد، تمدن، حکومت یا نگرشی در جهان رشد کند، باید یک منطقه را زیرپوشش خودش داشته باشد و این نکته را شما در فلات فرهنگی ایران به‌صراحت می‌توانید ببینید.

● اگر چنین دغدغه‌هایی در اسرائیل وجود دارد که ایران را به‌عنوان یک حوزه فرهنگی و به‌ویژه تشیع را به عنوان یک نگرش که می‌تواند یک ژئوکالچر شکل بدهد می‌شناسند، چرا این تحقیقات و مطالعات در ایران مدنظر قرار نگرفته است؟ چرا ما یک رشته یا یک دانشکده نداریم که بیاید و نگاه‌ها، نگرش‌ها و سبک‌های مختلفی را که در اسرائیل برای تعریف، تبیین و شناخت شیعه‌شناسی وجود دارد، مطالعه کند؟

یک علت مهم که می‌توانم درکنار بسیاری از علل دیگر که شما و خوانندگان هم ممکن است به آن واقف باشید بشمارم، این است که ساختار دانشگاه‌ها و آکادمی ما خیلی اروپامحور است؛ به این معنی که اگر رشته‌ای در اروپا یا آمریکا تأسیس بشود، ما از ایران یک نفر را می‌فرستیم و آن رشته را می‌خواند و بعد، آن را در ایران تأسیس می‌کنیم؛ یعنی به این‌گونه در اینجا رشته تأسیس می‌کنیم؛ چراکه رشته‌ها و تخصص‌ها به دلیل نیازهایی نیست که در فرهنگ یا تمدن یا در کشور ما وجود دارد، بلکه چون در اروپا یا آمریکا این‌گونه رشته‌ای تأسیس نشده، اینجا هم تأسیس نشده است. اما سؤال اینجاست که برای ما دانستن راهبردها، رویکردها و دانش‌هایی که اسرائیلی‌ها، محققان و اصحاب علوم انسانی اسرائیلی دربرابر شیعه‌شناسی دارند، از نان شب برای ما واجب‌تر است. ما باید بدانیم که آن‌ها به چه صورت دارند ما را مفهوم‌سازی می‌کنند، چگونه دارند روی حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی ما فکر می‌کنند و از این چه نتایجی می‌خواهند بگیرند.

دکتر سیدجواد میری: من می‌گویم که نه‌تنها مطالعات شیعه‌شناسی بلکه مطالعات سبک‌های شیعه‌شناسی و از آن مهم‌تر مطالعات سبک‌های شیعه‌شناسی در اسرائیل حتی به‌عنوان یک زیرگروه موردنیاز ماست و باید تعدادی نیرو تربیت شوند که ببینند آیا واقعا ما می‌توانیم از یک سبک با عنوان اسرائیلی صحبت کنیم یا نه

● پس دغدغه پژوهشی ما در این سال‌ها روی این مسئله، متمرکز نبوده است؟

بله، اگر پنجاه سال قبل در آکادمی‌ها می‌گفتید که مفهوم مسیحیان صهیونیست چیست، می‌گفتند که این چه مفهومی است؟ صهیونیست‌ها که یهودی‌اند، آن هم از نوع افراطی آن و مسیحیان هم که اصلا یهودیت را قبول ندارند. مگر می‌شود ما مسیحی‌ای داشته باشیم که به نوعی تندرو از یهودیت ایمان داشته باشد؟ اصلا صهیونیست‌ها چگونه می‌توانند درکنار مسیحیان باشند؟ اما می‌بینید که بعد از پنجاه سال، صهیونیسم مسیحی یکی از مفاهیم بسیار کلیدی نه‌تنها در حوزه آکادمیک است، بلکه این نگرش و نگاه توانست هشت سال راهبردهای جهانی و ژئوپلیتیک جهان را تغییر دهد که از درون آن اشغال عراق، افغانستان و نابودی لیبی و الان هم نابودی سوریه و... بیرون آمد. چرا؟ چون نئومحافظه‌کاران معتقد بودند اگر مسیح یا مسیح موعود قرار است بیاید، باید جنگ و نزاع بسیاری در جهان رخ بدهد و این جنگ و نزاع‌ها موجب تسریع آمدن مسیح در اورشلیم یا بیت‌المقدس خواهد شد. به همین دلیل ما باید صهیونیست‌ها را تقویت کنیم که این موجب بازگشت مسیح خواهد شد.

● تحلیل و مطالعه بر روی کارهایی که اسرائیل در زمینه مطالعات اسلامی و شیعه‌شناسی انجام می‌دهد، چه ضرورت‌های دیگری دارد؟

علتی که باید درباره مطالعات شیعه‌شناسی در اسرائیل بیشتر مطالعه بشود و ما بفهمیم که آن‌ها دارند چه‌کار می‌کنند، این است که یک موقع اسرائیلی‌ها ممکن است روی تئولوژی اسلامی یا کلام اسلامی کار بکنند، ممکن است یک نفر روی نحله‌های سیاسی کار کند، اما یک موقع هست که بعضی‌ها می‌آیند و به دنبال ایجاد و خلق مدل‌هایی از پلیتیکال تئولوژی هستند. این تغییر در جهان مسیحیت و یهودیت اتفاق افتاده است. می‌گویم پنجاه سال پیش اصلا غیرقابل هضم بود که ما از مسیحیت صهیونیست یا صهیونیسم مسیحی صحبت کنیم، اما امروز این یک واقعیت است. مثلا الان برخی مدل‌های آن را شما می‌بینید؛ مانند داعش که امروزه می‌گوید من مسلمانم، اما این درواقع یک نوع تسنن صهیونیستی است؛ به این معنا که روایت‌هایی که از دین داریم، این روایت‌ها به‌جای اینکه اوامر دینی یا گزاره‌های دینی را به‌عنوان میزان قبح و حسن ذاتی قرار بدهد، آمده و دغدغه‌های سیاسی و تروریستی را میزان حسن و قبح دین قرار داده و یک چرخش پارادایمی انجام شده است.

● به نظر شما ما دسترسی خوبی برای آگاهی از فعالیت‌های پژوهشی آنان داریم؟

این گرایش‌ها در یک جا به همدیگر رسیده و میوه‌های این پیوند، موجب سبک یا سبک‌های جدیدی از مطالعات شیعه‌شناسی شده است. اما متأسفانه یکی از مسائل یا موانعی که در ایران برای چنین مطالعاتی وجود دارد، اولا این است که دست ما از تمامی مطالعات شیعه‌شناسان اسرائیلی کوتاه است. البته به این معنی نیست که آن‌ها مطالعاتشان را در دسترس قرار نمی‌دهند، اتفاقا کسانی که در حوزه آکادمیک کار می‌کنند، بیشتر مطالعاتشان را به زبان انگلیسی هم منتشر می‌کنند. نکته دیگر هم اینکه زبان عبری به‌عنوان یک زبان در دانشگاه‌های ایران هنوز به اندازه زبان‌های دیگر مانند عربی و... تدریس نمی‌شود تا بتواند تعدادی محقق را به وجود بیاورد که هم مسلط به منابع اسرائیل باشند و هم دغدغه‌های استراتژیک و امنیتی را بشناسند. هنوز ما یک رشته نداریم که در آن، تئولوژی سیاسی با دغدغه‌های راهبردی و امنیتی مطالعه شود.

آیا می‌توان به گونه‌ای اندیشید و تئوری‌پردازی کرد که این سبک‌های مختلف مانند مرکز موشه دایان را که در اسرائیل وجود دارد و بسیاری از شیعه‌شناسان در آنجا هستند، شناخت؟ دغدغه‌های راهبردی و مطالعات تئولوژیکی که بر روی نحله‌های عرفانی یا صوفی کار می‌کنند، چه راهبردهایی را ممکن است در آینده برای دولت اسرائیل رقم بزنند؟ مثال دیگر اینکه محققی اسرائیلی آمریکایی به نام مارتین کرامر، یکی از بزرگ‌ترین متخصصان جریانات شیعی است که آمده است روی امام موسی صدر مطالعه کرده است و تفاوت‌هایی که ممکن است بین امام موسی صدر یا به فرض امام خمینی(ره) وجود داشته باشد و تأثیری را که می‌تواند در بعد فعالیت‌های اجتماعی سیاسی داشته باشد، بررسی کرده است.

مثلا آیا اختلافاتی که بین امل و حزب ا... وجود دارد، فقط اختلافاتی در نگرش نظامی است یا نه، این‌ها ریشه در نگاه‌های کلامی، فقهی و فلسفی دارد. یا مثلا نگاه امام موسی صدر به انسان، حکومت و... چه تفاوتی با نگاه آیت ا... خویی و امام خمینی(ره) می‌تواند داشته باشد؟ جالب است که بدانید این آدم، شاگرد یکی از اندیشمندان ایرانی الاصل به نام فؤاد عجمی بوده که اهل تبریز بوده و در اواخر قرن ۱۹ به جبل عامل مهاجرت می‌کند و در آمریکا استاد بوده است.

اگر خط سیر تفکر فؤاد عجمی را دنبال کنید، نمونه یک نوع تفکر است که من آن را تشیع صهیونیستی می‌نامم. یعنی شما می‌توانید حلقه‌هایی را در آکادمی پیدا کنید که به نظر می‌رسد مطالعه بی‌طرفانه پدیده‌های جهان است. در عین حال که مسئله بی‌طرفی در مطالعات مطرح است اما باز حلقه‌هایی هست که این افراد را به‌صورت شبکه به همدیگر وصل می‌کند. برای شناخت این مسئله، ما نیازمند مطالعاتی هستیم که بدانیم اسرائیلی‌ها چگونه روی تشیع کار می‌کنند.

● پیشنهاد شما چیست؟

من می‌گویم که نه‌تنها مطالعات شیعه‌شناسی بلکه مطالعات سبک‌های شیعه‌شناسی و از آن مهم‌تر مطالعات سبک‌های شیعه‌شناسی در اسرائیل حتی به‌عنوان یک زیرگروه موردنیاز ماست و باید تعدادی نیرو تربیت شوند که ببینند آیا واقعا ما می‌توانیم از یک سبک با عنوان اسرائیلی صحبت کنیم یا نه. اصلا چنین چیزی وجود دارد؟ اما چون خیلی از این مسائل و حتی اسم اسرائیل در ایران تابو است، بسیاری از محققان ایرانی حتی اگر شایستگی آن را هم داشته باشند، ترس دارند که وارد این مباحث بشوند و به آن بپردازند. اما واقعیت امر این است که مطالعه سبک‌های شیعه‌شناسی در اسرائیل برای ایران، یک مطالعه صرف آکادمیک نیست، بلکه با بود و نبود یا با وضعیت کنونی و وضعیت آینده ما در ارتباط است و پیوند عمیقی بین آن‌ها وجود دارد؛ چون لابی اسرائیل و بهائیت بسیار قوی است. از نظر آن جنبه امنیتی هم کسانی که در حوزه امنیتی به معنای اخص کلمه کار می‌کنند، نیاز دارند بدانند که اسرائیلی‌ها چه راهبردهایی را با پشتوانه مطالعاتشان دارند ایجاد می‌کنند. شاید شما به صورت سخت‌افزاری در یمن و عراق بتوانید کارهایی بکنید اما اگر این‌ها مبتنی بر مطالعات میدانی نباشد، به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. مطالعات سبک‌های شیعه‌شناسی اسرائیل، یکی از نیازهای آکادمیک امروز ایران است. امیدوارم که این بحث را چند نفر بخوانند و پرسش‌هایی در آن‌ها ایجاد شود. البته این فقط کار وزارت علوم نیست، بلکه نهادهایی که نگاه امنیتی به مسئله دارند، هم باید به آن توجه کنند وکسانی که می‌توانند در این زمینه کارکنند، صرفا نباید ایرانی باشند، بلکه می‌توانند از جاهای دیگر هم باشند که بتوانند این گونه پروژه‌ای را تعریف کنند.